

بررسی پیشینه، اهمیت و انواع جرایم شهروندان مرتبط با شهرداری

یوسف سلمانی پور

کارشناسی حقوق، دانشگاه علمی کاربردی اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی پیشینه، اهمیت و انواع جرایم شهروندان مرتبط با شهرداری انجام شد. روش تحقیق کتابخانه ای با استفاده از کتب، مقالات و پایان نامه ها و... انجام گرفت. نتایج نشان داد جرایم شهروندان به رفتارهای غیرقانونی و ناپسند اطلاق می شود که توسط افراد در جامعه انجام می شود و می تواند تأثیرات منفی بر نظم عمومی، امنیت و کیفیت زندگی در شهرها داشته باشد. این جرایم می توانند به دسته های مختلفی تقسیم شوند و هر یک از آن ها به نوعی به چالش های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی منجر می شود. مهم ترین جرایم شهروندان مرتبط با شهرداری ها شامل جرایم حوزه تغییر کاربری، قطع درختان، سد معبر، صنوف و مسئله سد معبر، دست فروشان و تكدی گری و... می شود.

واژه های کلیدی: جرم، شهروندان، شهرداری

مقدمه

جرایم شهروندان مرتبط با شهرداری‌ها به‌عنوان یکی از چالش‌های جدی در مدیریت شهری، تأثیرات عمیقی بر کیفیت زندگی شهروندان و ساختار اجتماعی و اقتصادی شهرها دارد. با گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت، شهرداری‌ها با مسائل متعددی مواجه هستند که برخی از آن‌ها ناشی از رفتارهای غیرقانونی و ناپسند شهروندان است. این جرایم، که شامل تغییر کاربری زمین، قطع درختان، سد معبر، فعالیت‌های غیرمجاز صنوف، دست‌فروشی و تكدی‌گری می‌شود، نه تنها به تخریب محیط زیست و منظر شهری منجر می‌شود، بلکه به تشدید مشکلات اجتماعی و اقتصادی نیز دامن می‌زند. تغییر کاربری زمین یکی از جرایم رایج در شهرداری‌هاست که به‌طور غیرمجاز و بدون رعایت قوانین و مقررات صورت می‌گیرد. این عمل می‌تواند به تخریب بافت‌های طبیعی و تاریخی شهر و ایجاد مشکلات زیست‌محیطی منجر شود. همچنین، قطع درختان به‌عنوان یک جرم زیست‌محیطی، نه تنها به کاهش تنوع زیستی و آلودگی هوا منجر می‌شود، بلکه بر سلامت عمومی و کیفیت زندگی شهروندان نیز تأثیر منفی دارد. سد معبر، به‌ویژه در مناطق شهری پرجمعیت، یکی دیگر از جرایم شهروندان است که به‌طور مستقیم بر ترافیک و دسترسی شهروندان تأثیر می‌گذارد. این عمل، که معمولاً به‌دلیل فعالیت‌های غیرمجاز صنوف و دست‌فروشان صورت می‌گیرد، می‌تواند به ایجاد نارضایتی عمومی و کاهش ایمنی در معابر عمومی منجر شود. دست‌فروشی، اگرچه در برخی موارد به‌عنوان یک منبع درآمد برای افراد کم‌درآمد محسوب می‌شود، اما در صورت عدم نظارت و ساماندهی، می‌تواند به مشکلاتی از جمله سد معبر و تخریب منظر شهری منجر شود. تكدی‌گری نیز به‌عنوان یک معضل اجتماعی، نه تنها به آسیب به چهره شهری منجر می‌شود، بلکه می‌تواند به افزایش احساس ناامنی و نارضایتی در میان شهروندان منجر گردد. این مسئله، نیاز به توجه ویژه از سوی شهرداری‌ها و نهادهای اجتماعی را ایجاد می‌کند تا با ارائه راهکارهای مؤثر، به کاهش این نوع جرایم و بهبود شرایط زندگی در شهرها کمک کنند. اهمیت بررسی این جرایم شهروندان در شهرداری‌ها به‌دلیل تأثیرات مستقیم آن‌ها بر کیفیت زندگی شهروندان و ساختار اجتماعی و اقتصادی شهرها غیرقابل انکار است. شناسایی و تحلیل علل و عوامل مؤثر در بروز این جرایم، می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران شهری در طراحی و اجرای برنامه‌های مؤثر برای پیشگیری و مقابله با آن‌ها یاری رساند. این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک گام اساسی در راستای ارتقاء شفافیت، پاسخگویی و بهبود کیفیت خدمات عمومی در شهرداری‌ها محسوب شود و به ایجاد یک نظام اداری سالم و کارآمد کمک کند. در نهایت، بررسی پیشینه، اهمیت و انواع جرایم شهروندان مرتبط با شهرداری نه تنها به درک بهتر از چالش‌های موجود در مدیریت شهری کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد راهکارهای مؤثر برای بهبود شرایط زندگی در شهرها و ارتقاء کیفیت خدمات عمومی منجر شود. این امر به نوبه خود می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و بهبود روابط میان شهروندان و شهرداری‌ها کمک کند.

شهرداری

تأسیس شهرداری به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عنصرهای حکومت محلی با تعریف امروزی تا موقع شکل‌گیری مشروطیت و مصوب نمودن نخستین قانون در سال ۱۳۶۵ در ایران مسبوق به سابقه نبود. شکل‌گیری مشروطیت و دگرگونی‌ای که در افکار شهروندان شکل‌گیری کرده بود دولت را متوجه تغییر مقدار زیادی از شرایط و نظام‌های نامتناسب و نامساعد اداری و اجتماعی زمانه آن روزهای ایران و مسئولیت دشوار خود در انجام نیازها و محیا نمودن آسایش‌های عمومی و لزوم تغییر اوضاع رسیدگی شهرها نمود. بعد از شکل‌گیری نخستین دوره مجلس شورای ملی اختلافات نظری و چالش‌های شدیدی در مملکت به وقوع پیوست که در یک سوی آن مردم و نمایندگان منتخب آنان در مجلس قرار داشتند و در سوی دیگر شاهزادگان وقت و

حکام که در پایتخت یا دیگر ایالات و والیات مشغول حکمرانی بودند وصول انواع گوناگون مالیات از شهروندان بدون آنکه در مقابل آن کاری از سوی دولت صورت گیرد سبب مراجعه شهروندان به نمایندگان مجلس شد و تحت فشار مراجعات و افکار عمومی نمایندگان مجلس حس نمودند که باید برای محدود نمودن فشاری که به خاطر وصول هر چه بیشتر مالیات بر شهروندان وارد می‌شود راهی پیدا کنند. به علاوه این موارد دولت را مجبور نمایند تا در برابر پولی که از مردم وصول می‌کند خدمتی نیز برای آنان انجام دهد. قانون انجمن‌های ایالتی و قانون تشکیل ایالات و والیات و دستورالعمل حکام در جهت تأمین نظر یاد شده به تصویب مجلس شورای ملی رسید. (یوسف پور، ۱۳۹۶: ۳)

وزارت کشور در سال ۱۳۳۳ شمسی لایحه قانونی شهرداری و لوائح متمم آن را برای گرفتن تصمیم آخر تقدیم مجلس شورای ملی نمود که در تیر ماه ۱۳۳۴ با اصلاح‌هایی در کمیسیون مشترک مجلس مصوب شد. هم‌اکنون در سراسر کشور ۱۶۵۳ شهرداری قرار دارد که برابر فصل ششم قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۳۴ شمسی این مرکز در یک تقسیم‌بندی کلی دارای چهار وظیفه شامل وظایف خدماتی نظارتی، رفاه اجتماعی و عمرانی است. از موقع موصوبه آخرین قانون مقداری از وظیفه‌های آن را بقیه شرکت‌های دولتی و سازمان‌ها بر عهده گرفته‌اند برابر سرشماری‌های معمول شهرداری دارای پنجاه و سه وظیفه است که در حال حاضر کمتر از نیمی از این وظایف از سمت شهرداری و هفت وظیفه نیز به طور مشترک با بقیه ادارات انجام می‌شود. بر اساس این قدمت افراد صاحب نظر بر این عقیده‌اند که وضعیت شهرداری‌ها را می‌توان به دو شکل یکی وظایفی که انجام می‌دهند و در بخش بعد وظایفی که باید انجام دهند مورد بررسی قرار داد. (همان: ۳)

اما آنچه ما را با تأسف مواجه می‌نماید ابهام در هر دو بخش است. در حقیقت مقدار زیادی از وظیفه‌هایی که ۵۶ سال قبل به عهده شهرداری‌ها بودند هم‌اکنون به عهده شهرداری نیست چه در حوزه مقرراتی و چه در حوزه اجرایی نتیجتاً شهرداری‌های ما در یک برهه تاریخی در حالت کنار گذاشتگی و تباه‌شدگی قرار گرفته‌اند بدین معنا که از قانون ۱۳۳۴ به این سمت مقدار زیادی از وظیفه‌هایی که آن موقع بر عهده شهرداری‌ها بود، هم‌اکنون به عهده شهرداری‌ها نیست و به دلیل همان نبود یکپارچگی و برتری بین دستگاه‌ها، وظیفه‌ها از شهرداری‌ها گرفته و به سازمان‌های دیگر منقل شده‌اند برای برطرف نمودن این چالش‌ها و رسیدن به تحقق مدیریت یکپارچه شهری ضروری است در درجه اول وظیفه‌هایی که در سالهای قبل از شهرداری جدا شده است به آن بازگردانده شود سپس مجموعه قابل توجهی از وظیفه‌های حاضر دستگاه‌های اجرایی و تصدی‌های دولت تحت نظارت و مدیریت شهرداری‌ها قرار گیرد. قانونهای برنامه سوم تا پنجم نیز بر این موضوع مهم تأکید کرده‌اند. لایحه جامع مدیریت شهری نیز در اجرای قوانین برنامه سوم تا پنجم تدوین یافته است که هدف از لایحه واگذار نمودن تصدی‌های دولت به مسئول‌های محلی و هماهنگی مأموریت‌ها و وظیفه‌ها در حیطه و حریم شهر با عنوان قانون جامع مدیریت شهری بیان شده است که مدیریت شهری از دو رکن شهرداری و شورای اسلامی شهر تشکیل می‌شود.

پیشینه تقنینی جرم‌انگاری جرایم شهری

زمانی که بحث از شهرنشینی و نهادهای دولتی موثر در امر مدیریت شهری می‌کنیم آنچه که اولین باز به ذهن خطور می‌کند، تاثیر گذارترین نهاد یعنی همان شهرداری است. خصوصیت جمعیت ویژه‌ترین عامل شکل‌گیری شهرداری‌ها است که حداقلی آن در کشورهای گوناگون مختلف است برابر ماده ۱ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ و تبصره یک آن شکل‌گیری شهرداری در ایران بر اساس شاخص جمعیت و بعضی اوقات بر اساس موقعیت و با اهمیت خاص شکل می‌گیرد برابر با نخستین قانون شهرداری که تحت عنوان «قانون بلدیّه» به تصویب در سال ۱۲۸۳ شمسی رسیده هدف کلیدی از شکل‌گیری آن محافظت از

منفعت های شهرها و ایفای حوایج اهالی شهرنشینی تعیین گردیده است. این بحث را همچنین می توان از جستجو ماده ۵۵ قانون فعلی شهرداری که وظیفه های شهرداری را ذکر نموده برداشت کرد. (عامری سیاهویی، ۱۳۸۷: ۱۱)

شاید در سال های تدوین این قانون که از زمان آن زیاد نیز نمی گذرد یعنی موقعی که شهرداری ها در انجام وظیفه های محوله کوتاهی میکردند نتیجه های آشکاری را به دنبال نداشت ولی در حال حاضر به دلیل افزایش چشمگیر جمعیت بروز پدیده حاشیه نشینی رشد و توسعه شهرها و هرگونه اهمال در انجام وظائف علاوه بر آشفتگی چهره شهر نتیجه های غیر قابل جبران مانند اتفاق افتادن جرمهای مختلف را به دنبال داشته و برنامه ریزی درست و مبتنی بر اصول علمی می تواند از این اتفاقات جلوگیری نماید.

اهمیت مقابله با جرایم مرتبط با شهرداری

نحوه و شکل زندگی در شهر مسئله ذاتی و طبیعی نیست به سخنی دیگر نوع فرهنگ و آیین زندگی در شهر یک مسئله آموزشی و تعلیمی است که حالتی دو طرفه دارد از یک طرف مدیرها و مسئول های شهری عهده دار تعلیم دانم زندگی شهری هستند و از طرف دیگر شهرنشینان تکلیف بر این وظیفه دارند که برای ادامه حیات مطلوب در شهر فرهنگ شهرنشینی را بیاموزند و فرزندهای خود را با محدودیت های ناشی از این فرهنگ آشنا نمایند. همچنین بسیاری از الزام های زندگی شهری که فرهنگ شهرنشینی را شکل می دهد به صورت مکتوب به قانون درآمده و صورتی دیگر به صورت عرف و عادت مسلم مورد قبول مردمان آن شهر قرار گرفته، پس هیچ تضمینی در بعد اجرایی برای آن صورت نگرفته است.

فرهنگ شهرنشینی با فرهنگ اداره شهر قرین است به عبارت دیگر همانگونه که شهروندان مکلف به رعایت الزامات شهری هستند مدیران شهری نیز به عنوان مروجین این فرهنگ عهده دار فرهنگ سازی و رعایت محدودیت های ناشی از اعمال مدیریت شهرداری ها هستند.

در بحث جرایم مرتبط با شهرداری ها رفتاری را می توان وندالیسم تخریب گری بیان نمود که در عین دارا بودن نوع های خشونت و مخرب بودن خصایص ذیل را داشته باشد:

- صدمه به چیزهایی که متعلق به دیگران است؛
- صدمه به اموال عمومی
- در کل هر سارتی که دیگری باید آن را جبران کند.

در بحث جرایم مرتبط با شهرداری ها وندالیسم تخریب گری با انگیزه های مختلفی از جمله انتقام جویی از جامعه و عملکرد مسئولین شهرداری تفریح و پر نمودن اوقات فراغت و ... و رسیدن به مقاصد سودجویانه صورت می گیرد برای مقابله با این پدیده باید این اندیشه را القاء کرد که اموال شهر متعلق به عموم شهروندان است و صدمه به این اموال صدمه به مالکیت خود محسوب می گردد.

امنیت احساس آرامش و اطمینان از عدم تعرض به جان مال و سایر حقوق انسان است. این ارزش انحصاری یکی از ضرورت های زندگی فردی و اجتماعی است. امروز بیش از آنکه احساس ناامنی ناشی از دشمنان خارجی باشد ریشه در درون شهرها دارد و متأسفانه خشونت به نحو چشمگیری افزایش یافته است. عدم امنیت در شهر ناشی از عوامل طبیعی و انسانی است و جرایم سهم به سزایی در ناامنی شهر دارند.

البته بین شهر به عنوان بزرگترین سکونتگاه انسانی و جرم به عنوان فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است رابطه علیت فلسفی وجود ندارد شهر زمینه را برای ارتکاب پاره ای از جرایم مستعد می‌کند و تبهکاران را در ارتکاب جرم مصمم تر می‌سازد. نباید فراموش کرد که مجرم انسان حسابگری است که سود و زیان حاصل از ارتکاب جرم را می‌سنجد و هرگاه هزینه های جرم بیشتر از منافع آن باشد از ارتکاب آن منصرف می‌شود.

در نظر برخی جرایم مرتبط با شهرداری تحت تأثیر دو عامل مهم قرار دارد. عامل اول به روابط خاص شهروندان و ساختار جامعه شهری مربوط می‌شود از جمله تضاد فرهنگی اختلاف طبقاتی و عامل دوم به فرم کالبدی شهر و شکل ساختمان‌ها و بناهای شهر مربوط می‌شود از جمله وجود سکونتگاه‌ها در حاشیه شهرها و ساختمان‌های نیمه ساخته رها شده و مخروبه و

برای مقابله با جرایم شهری یعنی جرایمی که شهر به نوعی در تحقق آن موثر است عوامل زیر دخیلند:

اولاً از توسعه بی رویه شهرها به صورت عمودی و افقی جلوگیری شود و از تشکیل شهرهای میلیونی و کلانشهرها ممانعت به عمل آید.

ثانیاً کمربند سبز در اطراف شهرها ایجاد گردد.

ثالثاً: محلات شهری بازنشاسی شوند و ضمن تشکیل شوراهای محلی امکان مراد و شناخت اهالی فراهم گردد.

رابعاً: اماکن تفریحی و ورزشی و آموزشی برای پر نمودن اوقات فراغت ایجاد گردد.

خامساً: از ایجاد ساختمان‌های بلند و مرتفع که سبب اشرافیت بر املاک مجاور و سلب حقوق ارتفاعی مجاورین می‌شود جلوگیری به عمل آید.

سادساً برای تأمین مسکن مناسب در خارج از شهرها و آن سوی کمربند سبز شهرها شهرک‌های جدید احداث گردد.

تعاریف جرم شناسی

اصطلاح جرم شناسی را برای اولین بار تو پینار دانشمند فرانسوی در ۱۸۷۹ بکار برد و در سال ۱۸۸۵ یعنی ۶ سال پس از انتشار کتاب تو پینار گارو فالو قاضی ایتالیائی کتابی را تحت عنوان جرم شناسی منتشر ساخت.

تعاریف گوناگونی برای جرم شناسی صورت گرفته است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم دورکیم در تعریف جرم شناسی می‌گوید: عمل‌هایی هستند که زمانی حادث می‌شوند عکس‌العملی را به وجود می‌آورند که در عرف به آن واکنش کیفر می‌گویند نکته مورد نظر در این مفهوم شناسی واژه عمل یا اعمال می‌باشد که در قانون کارایی نداشته و از آن به جنایت یاد می‌شود پس عمل و واکنش یک اصطلاح جامعه شناسی می‌باشد.

هاستروسن، زینگل گداز که مکتب اطریش را به وجود آورده اند از جرم شناسی تعریف جامعی ارائه نموده اند آنها در این تعریف معتقدند جرم شناسی رشته ای محسوب می‌شود که به بررسی حقیقت جنائی یا مجرمانه می‌پردازد به طوری که از مطالعه اتفاقات و آئین‌های شکلی در ارتباط با جرم و بررسی دفاع علیه جرم غافل نمی‌ماند با این شرایط تعریف جرم شناسی در یک زمان جرم، اصول و آئین‌های شکلی و همچنین اتفاقات جامعه علیه جرم را مورد کندوکاو و تحقیق قرار می‌دهد در یک جمله می‌توان گفت که از این دیدگاه جرم شناسی سیاست جنائی را مورد مطالعه قرار می‌دهد جامعه شناسی کیفری یعنی مطالعه جامعه شناسی ادارات و ارگان‌هایی که در ارتباط با عدالت کیفری فعالیت دارند ولی جامعه شناسی جنائی مطالعه عوامل خارج از فرد که در وقوع جرم دخالت دارند. در این رابطه فقط علل و عوامل خارجی بررسی می‌شود. جایی که جرم

شناسی مرکب از رشته های مختلف علوم جنائی تلقی شود جرم شناسی به معنی عام خواهد بود. در مقابل این تعریف فراگیر دیدگاه واحدی نیز وجود دارد که به موضوع خاص جرم شناسی می پردازد. (ثابی پور، ۱۳۹۷: ۵۳)

جرایم مرتبط با شهرداری

جرایم مرتبط با شهرداری جرایمی همچون قطع درختان سد معبر تغییر کاربری غیر مجاز و جرایمی از این دست که در حوزه و محیط مربوط به شهرداری ها روی می دهند؛ گفته می شود. مقصود از محیط مرتبط با شهرداری ها هم چنین مفاهیم در بعد اجتماعی و جغرافیایی می باشد و از این جهت مشمول حومه شهر و شخصیت هایی که به طور غیر رسمی در حواشی شهرها زندگی می کنند نیز می شود. با این تعریف در ادامه به مهمترین عوامل جرایم مرتبط با شهرداری ها می پردازیم:

- تغییر کاربری

تغییر کاربری به معنای آن است که مالک یک ملک به دلیل ایجاد منافع بهتر نسبت به استفاده از ملک خارج از نوعیت مجاز آن اقدام کند؛ برای مثال زمین زراعی را تبدیل به مسکونی کند.

تحوالات صورت گرفته در بحث تغییر کاربری زمین یک پارادایم فعال و سخت است که سامانه های انسانی و طبیعی را با هم در ارتباط قرار می دهد و نتیجتاً شبکه ای پیچیده واکنش میان نیروهای اجتماعی، اقتصادی بیوفیزیکی و در فضا و زمان است. از یک طرف با آلوده شدن هوا، آب و فرسایش یافتن خاک در ارتباط است و از طرفی دیگر با تغییر جمعیتی و اقتصادی مرتبط می باشد؛ همچنین تعداد زیادی از مسئله های محیطی را هم در بعد جهانی و هم در بعد محلی ایجاد می کند مانند رسوب گذاری دریاچه ها و رودخانه ها، جنگل زدایی و بیابان زایی کاهش تنوع زیستی انتشار گازهای گلخانه ای. ... به همین جهت به مثابه یکی از اصلی ترین مبحث های توسعه پایدار مطرح است. (بریا سولیس، ۱۳۸۹: ۱۶۲)

تغییر دادن کاربری زمین و استفاده از انواع ابزارها در جهت تغییرات آن به طور ذاتی حالت پویا و فضایی دارد. مطالعه های فراتحلیلی صورت گرفته بر تاثیر برنامه ریزی های استفاده از زمین و برنامه ریزی فضایی به دلیل علت کلیدی فرایندهای مختلف تغییر کاربری زمین تأکید کرده اند؛ از این رو برای مدیریت بهینه شهرداری ها، اطلاع داشتن از بحث تغییرات در این زمینه بسیار ضروری به نظر میرسد. (جعفری، ۱۳۹۹: ۲)

در سال ۱۳۷۴ جرم انگاری نسبت به مسئله تغییر غیر مجاز کاربری شده و در سال ۱۳۸۵ با اصلاحاتی در این زمینه از یکسو و الحاقاتی از سوی دیگر مواجه شده است. این نوع از جرم با وجود قابلیت تطبیق با موضوعاتی مانند اصطلاح عرفی زمین خواری تصرف عدوانی تخریب به مثابه جرم خاص بیان شده و رکن ها و عنصرهای مختص به خود دارد.

- قطع درختان

در معنای قطع اشجار از جدا کردن و بریدن استفاده شده است و به مصولاتی دلالت داده می شود که کال و نرسیده باشد. ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در حقوق جزای ایران اصلی ترین مقرر ای است که به حمایت کیفری نسبت به درخت های موجود در محیط های ارتباط یافته با شهرداری ها می پردازد. این ماده بیان می دارد: هر فردی درختان موضوع ماده ۱ قانون توسعه فضای سبز را برخلاف مقررات قانون مذکور، عمداً، عالماً قطع یا موجبات از نابودی آنها را محیا نماید علاوه

بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از ۶ ماه تا ۳ سال و یا جزای نقدی از ۳۰۰۰۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد. (احمدی و همکاران ۱۳۹۵: ۴۰)

ولی ماده چهارم قانون یاد شده مقرراتی مانند ماده ۶۸۶ را مصوب نموده است که باید آن را نسخ ماده ۶۸۶ دانست. به موجب این ماده هر فردی درختان موضوع ماده ۱ قانون توسعه فضای سبز را برخلاف مقررات قانون مذکور، عامداً عالماً قطع یا موجبات از نابودی آنها را محیا نماید علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از ۶ ماه تا ۳ سال و یا جزای نقدی از ۳۰۰۰۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد.

درباره ماده یاد شده نکته هایی قابل ذکر است که نشاندهنده منفی بودن دخالت های کیفری گذارنده قانون برای حمایت کیفری از درختان در فضای مرتبط با شهرداری ها است.

نکته اول اینکه کارکرد گذارنده قانون در مصوب نمودن ماده حاضر برابر به مفاد قانون تعزیرات در برابر ماده ۶۸۶ را بایستی از یک و درست و از سوی دیگر نادرست دانست شناخت و تبیین درست گذارنده قانون در این

ماده را بایستی در مجازات مالی ای که برای نابودی هر درخت محسوب می شود پیش بینی نمود. این مبحث در صورتی بیان شده است که قبلاً در همین ماده مجازات مالی برای عمل شخص بدون نگاه به مقدار نابود کردن درخت ها ارزیابی شده بود؛ ولی اقدام غیر مناسب گذارنده قانون را می توان هم در کاهش کیفر حبس از ۶ ماه تا ۳ سال به ۶ ماه تا ۱ سال و همینطور شرط نمودن به عمل این جزا در جهت نابودی بیش از ۳۰ اصله درخت دانست. در واقع چنین جوازی از طرف گذارنده قانون به شخص ها اجازه می دهد که تا ۳۰ اصله درخت را قطع نموده و در برابر این گونه رفتار آسیب زننده اساسی که نتیجه های زیادی باقی می گذارد تنها کیفر مالی بر شخص اعمال گردد و همچنین فرد بزه کار با آسیب رساندن و قطع درختان به بیش از ۳۰ اصله درخت تنها با کیفر کم ۶ ماه تا ۱ سال حبس مواجه گردد.

دومین نکته این است که حقوق جزای ایران به دو صورت از درختان واقع در محیط شهری حمایت کیفری نموده است. اولین نوع حمایت از درختانی که جزء مال های شخصی افراد به حساب می آیند مثل آنچه در ماده های ۱۶۷۵ و ۲۶۸۴ قانون تعزیرات آورده شده است. این گونه از حمایت نه به جهت حفظ و حمایت از زیست محیط، بلکه به خاطر حمایت از مال های اشخاص است.

بنابراین در این جا مشکلی که در این باره به وجود میاید این است که چنانچه فردی درخت متعلق به فرد دیگری که در فضای مرتبط با شهرداری قرار دارد را به آتش بکشد باید به حاکمیت مواد ۶۷۵ و ۶۸۴ بود یا اعتقاد داشت یا ماده چارم قانون یاد شده به سخنی دیگر آیا هدف مقدم شمردن اهداف خصوصی است یا اهداف جمع؟ در جواب به این سوال دو گونه جداگانه را بایستی توضیح داد. اول آن که درخت مزبور در ملک هر کس عمداً... جنگل یا... اشجار یا... باغ های متعلق به دیگری را آتش بزنند به حبس از دو تا ۵ سال محکوم می شود.

هر کس باغ میوه با نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تزییع آن بشود... به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می شود.

فر دیگری باشد که در این صورت بدون شک ماده ۶۷۵ موکد قرار خواهد گرفت چرا که ماده یک قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها از میدان ها معابر و هر آنچه جز فضای شهری باشد بحث کرده است و درایی ملکی افراد (شخصی) جز فضای شهری محسوب نمی شود. دومین حالت بدین گونه است که درخت متعلق به فردی در معبر عام مثل حریم خانه قرار گرفته

باشد به نظر میرسد که در این حالت باید اعتقاد به حاکمیت ماده ۶۷۵ داشت؛ چرا که از منظر گذارنده قانون مال فرد دیگری مورد آسیب قرار گرفته است؛ چه آنکه درخت یا چیز دیگری باشد ولی اگر درخت به عموم تعلق داشته باشد حکم ماده چهارم لازم الاجرا می شود. (احمدی و همکاران ۱۳۹۵: ۴۱)

سومین نکته اینکه گذارنده قانون در حمایت جزایی خود از درخت‌های مربوط به دیگران در پیرامون شهر با چالش مواجه است. به معنای اینکه شناسایی جرم نابودی درخت‌های مربوط به دیگران مورد توجه نباشد. در توضیح این مطلب بایستی عنوان نمود که چنانچه درخت متعلق به فرد دیگری در محیط شهری مورد آسیب قرار گیرد هیچ یک از قوانین کیفری مقررات تعزیرات از آن حمایت جزایی نداشته است، زیرا از یک طرف رفتار ارتکاب کننده در این فرض آسیب زدن است. پس از اساس که حکم ماده ۶۷۵، مربوط به رفتار مورد نظر در خصوص آتش زدن است دور می شود و یا خروج می یابد.

اما نکته چهارم را با ذکر یک سوال مطرح می نمایم سوال این است که که تضمین اجرای کیفری مقنن شامل چه مواردی می شود؟ به سخنی دیگر اگر فردی در محیط شهری به کاشت درخت بپردازد و بعد از مدتی همان درخت را قطع کند آیا حمایت گذارنده قانون بر بحث عمل فرد نیز پهن می شود یا خیر؟ در جواب باید عنوان نمود که هر چند به موجب ماده سی قانون مدنی هر شخص مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد اما بر اساس اصل چهارم قانون اساسی هیچ کس نمی تواند اعمال خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد؛ با این شرایط به دلیل آنکه این حرکت یک جرم بر ضد اموال نبوده بلکه یک جرم بر ضد آسایش عامه است. (صادقی، ۱۳۹۲: ۵۹).

در نهایت آخرین چالش در حمایت جزایی گذارنده قانون از درخت‌های واقع در محیط مرتبط با شهرداری ها این است که آحمایت تنها مختص به قطع یا از آسیب زدن به درختان به صورتی که سبب مرگ آنان شود، می شود. با این شرایط رفتارهایی مانند کندن شاخ و برگ درختان شامل این ماده نخواهد شد.

- سد معبر

در لغت از کلمه مانع برای سد استفاده شده است و سد معبر به معنای مانع یا موانعی که بر سر راه رفت و آمد شهروندان باشد یا به هر کاری گفته می شود که سبب مسدود شدن معابر عمومی شود، مثل:

- صنوف و مسئله سد معبر

در این خصوص دارندگان مغاز با قرار دادن اجناس و کالا در کنار فروشگاه خود و مسدود نمودن پیاده روی معبرهتی عمومی سبب اختلال در رفت و آمد عابرین پیاده می شوند و همینطور از محیط عبور و مرور نیز شکلی زشت و نادرست ایجاد مینمایند و ضمن مزاحمت درست نمودن چالشهای بسیاری را ایجاد می نمایند. (حجتی اشرفی، ۱۳۹۱: ۱۱۹-۱۲۱)

این قاعده که در زبان حقوقی ما تسلیط نامیده می شود. محدود بر این است که تصرف و انتفاع به زبان همسایه نباشد یا در اندازه متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از مالک باشد ماده ۱۳۲ قانون مدنی یعنی هر جا که قاعده تسلیط با لاضرر تراحم پیدا کند لاضرر حکومت دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۹)

- دست فروشان

افرادی که در کنار معبرها دست به فروش کالاها و جنس های خود میزنند و با اشغال نمودن سطح مشخصی از پیاده رو برای عبور و مرور عابر مزاحمت تولید می نمایند در حقیقت نوعی از ایجاد سد معبر را رقم می زنند. وجود دست فروشان نه تنها تجاوز به حریم افراد به حساب می آید بلکه جامعه را نیز از بخاطر مسائل اقتصادی و بهداشتی با چالش مواجه می کند دست فروشانی به فروش کالای خود با قیمت ارزان اقدام می کنند، با روانه نمودن اجناس آلوده و غیر بهداشتی مانند مواد غذایی ممکن است سلامت مردم را به خطر بیندازند و سبب شیوع تعدا زیادی از بیماری ها شوند و حقوق سایر کسبه را نیز ضایع کنند. (معظمی، ۱۳۹۶: ۴) بر اساس قانونی بودن جرایم و مجازاتها به عنوان یک اصل فقط عملی را می توان جرم بدانیم که قانون آن را اعلام جرم کرده باشد مجازاتی را برای آن مشخص کرده باشد بر این اساس دست فروشی جرم به حساب نمی آید؛ اما آنچه دست فروشان در حال انجام دادنش هستند مصداق تخلف هایی است که در قوانین برای آن مجازات هایی مشخص شده است؛ مانند فرار از پرداخت مالیات عرضه خارج از شبکه و... چرا که طبق قانون مدیریت خدمات شهری در خیابان ها معابر و به طور کلی تمامی قسمتهای شهر نباید چالشی برای عبور و مرور مردم ایجاد گردد و از سویی برابر قوانین کشور هیچ شخصی نمی تواند بدون داشتن جوازهای لازم اقدام به فروش جنسی کند و هر دوی این اتفاق ها تخطی از قانون به حساب می آید.

بنابراین زمانی که جوازی برای انجام فعالیت اقتصادی صادر نشود و شخصی خودسرانه در مترو و خیابان یا در اماکنی مانند این ها اقدام به فعالیت های اقتصادی انجام دهد به تخلف مرتکب شده و بایستی که با او برخورد قانونی گردد. بنا به مراتب گرچه دست فروشی به تنهایی جرم نیست اما ایجاد مزاحمت در معابر عمومی باعث به وجود آمدن بار ترافیکی و در نهایت شکایت شهروندان شده و وضع نابسامانی را در شهر پدید می آورد که مستلزم برخوردی قانونی است.

- تکدی گری

واژه های مرتبط با «تکدی»^۱ متعدد و نشان دهنده پیچیدگیهای مفهومی این واژه است. در لغت نامه دهخدا چنین تعریف شده است کار گدا عمل، گدا، تنگدستی، فقر درویشی، شکست بی چیزی و بی نوایی. (دهخدا، ۱۳۶۴: ۲۱۱) دست درازی کردن برای کسب درآمد را می توان یک نوع از تعریف برای مفهوم تکدی آورد. تکدی فراگردی است که به سبب آن فرد متکدی از کار و زحمت دیگران بهره می گیرد و زندگی خود را ادامه می دهد. (مرادی، ۱۳۷۰: ۵) قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ در تبصره دوم خود از ماده ۴۵ آورده است و کلاشی ولگردی تکدی گری... ولگرد فردی است که مأوای مشخص و مسکن و شغل یا حرفه معینی و وسیله معاش معلوم ندارد. حسب این تعریف ولگرد دو شرط دارد که باید با هم وجود داشته باشند:

۱- **نداشتن شغل و وسیله امرار معاش مشخص**؛ بنابراین کارتن خوابی که صبح ها ضایعات جمع می کند یا دختران فراری که شبها را در پارک سپری و روزها در خیاطی و آرایشگاه زنانه کار می کنند یا فرد بیکاری که در حساب بانکی پول دارد و از سود آن گذران زندگی می کند چون وسیله امرار و معاش دارند، ولگرد محسوب نمی شود. همچنین به محض اینکه وسایل امرار

^۱ این اصطلاح گاهی هم برای در برگرفتن بررسی فعالیت های سازمان یافته که دارای اصول و قواعد ویژه خود نیز هست، بکار می رود.

معاش به طریق صحیح و قانونی وجود داشته باشد. کم یا زیاد بودن آنها اهمیت ندارد مانند فروشنده دورگرد (آقایی، ۱۳۹۹: ۲۹).

اگر فردی سابقاً کارمند دولت باشد و مقرری معینی از دولت دریافت نماید ولی نه مکان دارد و نه شغلی و مقرری دریافتی را نیز عادتاً فوری خرج می‌کند نمی‌توان او را به عنوان ولگرد تعقیب نمود. یا حتی اگر کسی به دلیل اینکه در فصل زمستان فصل فقدان کار برای کارگران آن حرفه است مثل کشاورزان، بیکار باشد ولی ثابت شود متهم مرتباً اشتغال به کار داشته است موجب ولگرد محسوب کردن وی نیست.

۲- نداشتن محل سکونت مشخص و معلوم: البته لازم نیست اقامتگاه قانونی متهم باشد، بلکه باید حقیقی و واقعی باشد. نوع مسکن مهم نمی‌باشد حتی پادر مسافرتی یا حلبی یا اتاق کارگری یا گرم خانه های شهرداری مسکن یا مأوا محسوب می‌شود. لازم به ذکر است صرف زندگی توأم با سرگردانی و مسافرت های یک فرد برای تحقق بزه ولگردی کافی نیست. (آقایی، ۱۳۹۹: ۳۰)

همچنین به نظر می‌رسد اگر متهمی نه مسکن دارد و نه وسایل معلوم برای امرار معاش، حامل مقداری حتی قابل توجه پول بوده ولی نتوانسته منشاء و منبع آن را ذکر کند دلیل عدم تعقیب او نخواهد بود. جالب توجه اینکه متکدی دارای وسیله امرار معاش هر چند کارش غیر قانونی است ولی به دلیل داشتن همین درآمد، ولگرد محسوب نخواهد شد.

با عنایت به اینکه مجازات هر سه جرم سه ماه حبس تعزیری می‌باشد که حسب ماده ۱۹ ق.م.ا. مجازات های تعزیری درجه ۸ محسوب می‌شود بر اساس ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک در صلاحیت مستقیم دادگاه کیفری ۲ خواهد بود و نیازی به انجام تحقیقات مقدماتی این گونه جرایم در دادسرا نیست.

قانونگذار در ماده ۷۱۳ ق.م.ا. (تعزیرات) کسانی را که افراد صغیر یا غیر رشید را به تکدی گری بگمارند، مجرم دانسته است. قسمت صدر ماده در خصوص گماردن افراد محجور و آسیب پذیر و قسمت دوم ماده در خصوص سایر افراد، حتی افراد بالغ و رشید است. قانونگذار متأسفانه مجازات یکسانی را برای هر دو در نظر گرفته است و شایسته بود در خصوص صدر ماده مجازات شدیدتری وضع کند با این حال در سال ۱۳۹۲ قانونگذار در ماده ۱۲۸ قانون مجازات اسلامی این چالش را برطرف کرد؛ البته در این ماده فقط مجازات سوء استفاده کنندگان از نابلغان و نه تمام افراد محجور و آسیب پذیر مانند مجانین و غیر رشید را پذیرفته است.

- سایر جرایم

- **برپا نمودن چادر در کنار معابر و پارک‌ها:** برقرار نمودن چادر در پارک‌ها و معابر سبب آلوده نمودن محیط زیست و مشکلاتی به محیط سر سبز شهری نازیبا ساختن چهره شهر ایجاد اخلال در رفت و آمد انباشت زباله و .. می‌شود (مشکینی و همکاران، ۱۳۸۹).

- **دوره گردی و ثابت بودن و انتهای باری در سطح شهر:** این وسایل نقلیه به جز اینکه از بلندگو البته در بعضی موارد برای تبلیغ و فروش اجناس استفاده می‌نمایند و سبب ایجاد آلودگی صوتی و مزاحمت برای شهروندان می‌شوند بر ایجاد سد معبر در معابر کوچه ها نیز دلالت پیدا می‌نمایند.

- **توقف وسایل نقلیه نصب داربست ریختن مصالح ساختمان‌ها:** توقف یا پارک اتومبیل در جاهای نامناسب در خیابان و کوچه به صورتی که باعث اختلال در پیاده رو و ایجاد سد معبر و اتلاف زمان دیگران شود.

طبق ماده (۶۹۰) فصل بیست و ششم از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی هرگونه تجاوز، تصرف عدوانی ممانعت از حق و مزاحمت از حق در املاک دولتی وابسته به دولت شهرداری‌ها و اوقاف مستوجب یک ماه تا سه سال حبس است؛ البته تعریف دقیق ممانعت و مزاحمت از حق مشمول تلفیق این ماده و مواد (۱۵۸) تا (۱۶۳) فصل هشتم آیین دادرسی مدنی است؛ از سوی دیگر طبق ماده (۵۵) قانون شهرداری‌ها به این دستگاه اجازه داده شده بدون دستور قضایی برای برچیدن بساط سد معبر که از مصادیق مزاحمت است، اقدام کند؛ لذا ایجاد مزاحمت جرم است. البته سد معبر مصادیق زیادی دارد که بعضی از آنها مانند تکدی‌گری صراحتاً در قانون مجازات اسلامی جرم انگاری شده است.

منابع و مآخذ

۱. آقایی، مهدی (۱۳۹۹) رسیدگی به جرایم مربوط به مسکرات قماربازی و تکدی گری با نگرشی کاربردی، تهران قوه قضاییه مرکز مطبوعات و انتشارات.
۲. احمدی، اصغر، خسروشاهی، قدرت الله، شاملو، باقر (۱۳۹۵) حمایت کیفری از محیط زیست شهری در حقوق کیفری ایران، اقتصاد شهری، شماره ۲، ص ۳۷-۵۴.
۳. بریا سولیس، هلن (۱۳۸۹) الگوهای تحلیلی تغییر کاربری زمین رویکرد نظری و مدل سازی، ترجمه مجتبی رفیعیان، مهران محمودی، تهران: انتشارات آذرخش.
۴. ثابتی پور، بهزاد (۱۳۹۷) مکاتب و قلمرو جرم شناسی، قانون یار، شماره ۷، ص ۴۹-۷۲.
۵. جعفری، فیروز (۱۳۹۹) آینده پژوهی تغییرات کاربری اراضی شهری در کلان شهر تبریز، برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، شماره ۳۷، ص ۱-۲۲.
۶. حجتی اشرفی، غلامرضا (۱۳۹۱) محشای شهرداری و شوراهای اسلامی تهران: انتشارات گنج دانش.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۴)، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. عامری سیاهویی، حمیدرضا (۱۳۸۷) نقش معماری در پیشگیری از وقوع جرم، تهران: مجد.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹) قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، میزان.
۱۰. مشکینی، ابوالفضل، رحیمی، محسن، محمدپور، صابر، اکبرپور، سراسکانرود، محمد (۱۳۸۹)، ارزشیابی و تحلیل کاربری های شهری با تأکید بر کاربری فضای سبز شهری شهر گلستان، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای شماره ۱۵، ص ۲۵-۳۶.
۱۱. یوسف پور، جعفر (۱۳۹۶) جایگاه حقوقی شهرداری و شهروندی در مدیریت شهری، کنفرانس بین المللی مهندسی طراحی شهری، ص ۱-۱۲.